

نگاه

دیپلماسی و میدان؛ هر دو در کنار ایران



پرهام پور رمضان

پژوهشگر علم سیاست

در عصر پیچیده کنونی که روابط بین الملل بیش از پیش به سوی تنش و بی ثباتی سوق یافته، نقش دیپلماسی به عنوان ابزاری حیاتی برای حفظ منافع ملی و دفاع از حاکمیت کشورها بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. در این میان، ایران به عنوان کشوری با تاریخچه‌ای غنی در حوزه تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای، همواره از دیپلماسی به عنوان ابزاری فعال و استراتژیک بهره گرفته است. حمله نظامی اسرائیل به خاک ایران که در روزهای اخیر رخ داد، آزمونی جدی برای دیپلماسی ایرانی پدید آورد که نه تنها جنبه‌ای دفاعی، بلکه بعدی قهرمانانه به خود گرفت. این یادداشت با هدف تحلیل عملکرد دیپلماسی ایران در مواجهه با این رخداد، تلاش می‌کند تا نشان دهد چگونه دستگاه دیپلماسی کشور با بهره‌گیری از توانمندی‌های بومی، ظرفیت‌های منطقه‌ای و ابزارهای بین‌المللی، صحنه‌ای قهرمانانه از مدیریت بحران را در کنار افتخارآفرینی‌های نظامی نیروهای مسلح به نمایش گذاشت. در این نوشتار، ابتدا به بررسی مفهوم دیپلماسی قهرمانانه پرداخته، سپس به تبیین بسترهای تاریخی، فرهنگی و استراتژیک آن در ایران اشاره خواهیم کرد و در نهایت، کارکردهای دیپلماسی در بحران اخیر تحلیل خواهد شد.

دیپلماسی قهرمانانه: مفهومی نوین در سیاست بین الملل

دیپلماسی قهرمانانه، مفهومی است که برخلاف برداشت‌های سنتی از دیپلماسی به عنوان عرصه‌ای محافظه‌کارانه و گاه منفعل، به نمایش شکوه، اراده و ایستادگی یک ملت در میدان تعاملات بین‌المللی می‌پردازد. در این چارچوب، دیپلمات‌ها به جای آنکه صرفاً پیام‌آور صلح یا مذاکره‌کننده‌ای بی‌طرف باشند، به نمایندگانی از اراده ملی، مقاومت هوشمندانه و صیانت از هویت تبدیل می‌شوند. دیپلماسی قهرمانانه، دیپلماسی‌ای است که از موضع ضعف مذاکره نمی‌کند، بلکه با اقتدار و مبتنی بر اصول، قواعد بازی را به نفع منافع ملی بازتعریف می‌کند.

بسترهای تاریخی و فرهنگی دیپلماسی در ایران

ایران از دیرباز در تاریخ تمدن بشری، جایگاهی برجسته در حوزه سیاست، فرهنگ و تعاملات فرامرزی داشته است. از دوران هخامنشیان تا صفویان و از قاجار تا جمهوری اسلامی، سنتی دیرینه از دیپلماسی در این سرزمین ریشه دارد. ایران معاصر، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، با اتخاذ رویکردی مستقل و استکبارستیز، دیپلماسی‌ای خاص و متمایز را پی‌ریزی کرد؛ دیپلماسی‌ای که اصول، اخلاق و عدالت در آن نقش بنیادین دارند. بر پایه چنین میراثی، دیپلماسی ایران همواره سعی داشته نه تنها در پی حل‌وفصل مسائل خود، بلکه در تلاش برای ایجاد نظامی عادلانه‌تر در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز ایفای نقش کند. بر این اساس، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نه تنها ابزار تأمین منافع ملی، بلکه ابزاری برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز تلقی می‌شود.

حمله اسرائیل به ایران؛ رخدادی تکان دهنده در نظم منطقه‌ای

حمله نظامی اسرائیل به خاک ایران، که برخلاف تمامی موازین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد صورت گرفت، چالشی جدی برای امنیت ملی و نظم منطقه‌ای به شمار می‌آید. این اقدام که با هدف تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران و برهم زدن موازنه قدرت صورت گرفت، نه تنها منجر به واکنش‌های داخلی و بین‌المللی شد، بلکه فضایی تازه برای آزمودن راهبردهای دیپلماتیک ایران فراهم آورد. در چنین شرایطی، بسیاری از کشورها به سمت استفاده از قدرت سخت و واکنش‌های آتی سوق پیدا می‌کنند، اما جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر عقلانیت راهبردی، واکنش خود را در قالب ترکیبی از قدرت نرم و قدرت بازدارنده سامان داد؛ دیپلماسی در این میان نقشی کلیدی ایفا کرد.

عملکرد دستگاه دیپلماسی ایران در مواجهه با بحران

(الف) اجماع‌سازی منطقه‌ای و جهانی

یکی از نخستین اقدامات وزارت امور خارجه، تلاش برای اجماع‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی علیه اقدام اسرائیل بود. در این راستا، از طریق تماس با کشورهای همسایه، متحدان راهبردی و سازمان‌های بین‌المللی، تلاش شد تا ابعاد غیرقانونی و مخاطرات اقدام اسرائیل برای صلح منطقه‌ای برجسته شود. صدور بیانیه مشترک با کشورهای عضو محور مقاومت و برگزاری نشست‌های اضطراری با وزرای خارجه کشورهای اسلامی از جمله گام‌های مؤثر در این زمینه بود.

(ب) بهره‌گیری از حقوق بین‌الملل

ایران با استناد به منشور سازمان ملل متحد، به‌ویژه ماده ۵۱ که به حق دفاع مشروع اشاره دارد، پرونده‌ای حقوقی علیه اسرائیل در نهادهای بین‌المللی گشود. این اقدام نه تنها مشروعیت حقوقی اقدامات دفاعی ایران را تقویت کرد، بلکه اسرائیل را در موضع متهم قرار داد و فشارهای دیپلماتیک بین‌المللی علیه آن را افزایش داد.

(ج) استفاده هوشمندانه از رسانه‌های جهانی

یکی از ویژگی‌های دیپلماسی قهرمانانه، توانایی بهره‌گیری از رسانه‌ها برای انعکاس روایت ملی از بحران است. در این زمینه، دیپلمات‌های ایرانی با حضور در رسانه‌های بین‌المللی و انتشار بیانیه‌های متعدد، تلاش کردند تا تصویر واقعی از تجاوز اسرائیل و سیاست بازدارندگی ایران را به افکار عمومی جهانی منتقل کنند.

(د) حفظ انسجام داخلی و تقویت اعتماد عمومی

در کنار فعالیت‌های خارجی، دستگاه دیپلماسی ایران با اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف، نقش مهمی در تقویت روحیه ملی و حفظ انسجام داخلی ایفا کرد. صداقت در بیان واقعیت‌ها، هماهنگی با نهادهای امنیتی و نظامی، و تأکید بر اقتدار ملی، باعث شد که جامعه ایرانی در این بحران، بیش از پیش به توانمندی‌های ملی خود ایمان یابورد.

پیامدها و دستاوردهای دیپلماسی قهرمانانه ایران

دیپلماسی ایران در مواجهه با حمله اسرائیل، نه تنها توانست تبعات سیاسی و امنیتی آن را مهار کند، بلکه تصویری جدید از جمهوری اسلامی ایران به جهان عرضه کرد؛ تصویری از کشوری مقتدر، صلح‌طلب، اما قاطع در دفاع از تمامیت ارضی و کرامت ملی. برخی از مهم‌ترین پیامدهای این رویکرد عبارت‌اند از:

- افزایش اعتبار بین‌المللی ایران به عنوان بازیگری عاقل‌گرا
- آزوای بیشتر رژیم صهیونیستی در سطح منطقه‌ای و جهانی
- ارتقای همکاری میان محور مقاومت و کشورهای مخالف تجاوزگری اسرائیل
- تقویت جبهه داخلی از طریق مدیریت هوشمندانه اطلاعات و افکار عمومی
- تثبیت نقش ایران به عنوان قدرتی باثبات و قابل اتکا در منطقه غرب آسیا
- در پایان باید بیان کرد که در پرتو حمله تجاوزکارانه اسرائیل به خاک ایران، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران توانست با اتکا به اصول و ارزش‌های انقلاب، عقلانیت استراتژیک و قدرت نرم، نمونه‌ای از دیپلماسی قهرمانانه را به نمایش بگذارد. این تجربه نشان داد که در جهان پرتنش امروز، دیپلماسی نه تنها ابزاری برای حفظ منافع، بلکه مبدائی برای قیامی اراده ملی و قهرمانی سیاسی است. ایران با این عملکرد، بار دیگر جایگاه خود را به عنوان بازیگری مستقل، مقاوم و هوشمند در صحنه بین‌المللی تثبیت کرد؛ جایگاهی که نمره دهه‌ها مبارزه، مجاهدت و تدبیر در راه تحقق عزت ملی است.

از واقعه عاشورا قرن‌ها گذشته، اما همچنان اندیشه‌افروز است و همچنان چراغ راه. این یادداشت، بازخوانی رویداد عاشورااست با نگاه ویژه به قدرت جاودانه آن در افروختن دو نور انسان‌ساز در وجود انسان، یعنی آگاهی و آزادی و نیز مصون‌داشتن آدمی از آتش انسان‌سوز «ازخودبیگانگی» و بی‌اندیشگی.

دین‌ها همواره با فراز و فرودهایی در جوامع بشری ظهور و بروز دارند و بسیاری از رفتارها، گفتارها و اهداف افراد و جوامع را جهت و سامان می‌بخشند؛ به‌ویژه در جامعه ایران که هزاره‌های دین‌ورزی را در پیشینه خود دارد و هنوز هم هنجارها، ارزش‌ها و تمایلات دینی، خاصه دین مبین اسلام، معاش‌کوشی و معاداندیشی مردم را راه می‌نماید و معنا می‌بخشد. در ایران امروز که یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی دین اسلام است، نگاه نو و به‌روزآور دین‌داران و دین‌پژوهان به اندیشه‌ها و رفتارهای دینی، بایسته است؛ زیرا به درک بهتر ژرفای دین و نیز حفظ طراوت فرهنگ دینی جامعه می‌انجامد. با پیروزی انقلاب اسلامی و حتی در جریان مبارزات پیش از آن، با آثار استادانی همچون علی شریعتی و شهید مرتضی مطهری و تنسی چند از دیگر بزرگان، تفکر و تمرکز بر جنبه‌های عقلی، فکری و بنیادین واقعی عاشورا غلبه یافت (در مقابل برخی سطحی‌نگری‌های سده‌های اخیر). قیام یا نهضت عاشورا یکی از بنیادهای دینی و ملی در جامعه ایران و دینداری ایرانیان است که دارای آموزه‌ها و الگوهای فراوانی است و بررسی آن از نظرگاه‌های گوناگون علمی، فرهنگی و هنری، به شرط صحت و دقت، علاوه بر شناساندن بهتر این رویداد شگفت‌انگیز و البته رهایی‌بخش، چراغ راهی است انسان امروز را که سخت محتاج معنا و آگاهی‌های راهگشاست؛ البته اگر انسان در این راه، پای از سنگ‌ها و دامان از خارها برهاند. یکی از این موانع، همین ازخودبیگانگی است که با الگوبرداری از نهضت امام حسین(ع) و قیام عاشورا می‌توان از دام آن رست.

«ازخودبیگانگی» یا «الیناسیون» با اینکه مولود اندیشه‌ورزی‌های روان‌شناسانه، جامعه‌شناسانه و... اخیر است، از آنجا که ناظر بر انسان است، موضوعیت و وجودی کهن دارد همبای وجود انسان. مفهومی است که ابعاد گوناگون آن با نظریات هگل، مارکس و روسو آمیخته است. در ایران نیز دکتر علی شریعتی از نخستین بحث‌کنندگان در این زمینه بود.

در جامعه ما، معنای یادشده‌تر ازخودبیگانگی، تداعی‌کننده آن افرادی است که در مقابل مظاهر و نمادهای فرهنگی یک جامعه بیگانه، ماهیت فرهنگی خویش را به آب نسیمای می‌دهند و بی‌آنکه با نگاهی بهره‌یاب و خویش‌خواه، به مبادله علمی و فرهنگی با جوامع دیگر بپردازند، منفعلانه، خود را ظرف فرهنگ یا مفهومی دیگر می‌کنند. اما این تنها بخشی از دایره معنایی ازخودبیگانگی است و این عبارت در علوم گوناگون انسانی مورد بحث و فحصى است و دارای دو جنبه فردی و اجتماعی که هسته معنایی آن، بی‌خودشدن انسان از ادراک و خواسته‌های

عاشورا؛ آزادگی و ستیز با ازخودبیگانگی

نهضت عاشورایکی از بنیادهای دینی و ملی در جامعه ایران و دینداری ایرانیان است



علی نامجو

تعالی بخش خویش است؛ چنان‌که چیزی دیگر (یک مفهوم، فرد یا شیء) را مقدم بر اندیشه و ماهیت ادراکی و زیستی خود بداند و به‌طور کلی، به ابزاری برای آن بدل شود. چنین انسانی را -به قول دکتر شریعتی- الینه‌شده یا ازخودبیگانه می‌گویند. او این مفهوم را مقابل آن «خودآگاهی» انسانی می‌داند که ممکن است یک دانشمند نداشته باشد، اما یک بی‌سواد آن را داشته باشد. ازخودبیگانگی به تأثیر عوامل گوناگون اجتماعی، جغرافیایی و تربیتی در ما پدید می‌آید، اما خودآگاهی و آزادی و اندیشه‌مندی ما از آن می‌کاهد. گسترش این خودآگاهی، مولایی هم دارد همچون چهل، منفث، ترس‌های غیرعقلانه، مِین الینه‌شده که من حقیقی را زندانی کرده و...

بنابراین، هیچ شیء یا فضایی شایسته آن نیست که ماهیت انسان را بریابد، با فریب آنکه چیزی دیگر به او می‌دهد؛ زیرا انسانی که از ادراک و واقعیت خود تهی شده، چه می‌تواند داشته باشد که بهتر از آن ماهیتش باشد. ماهیتی که با گستراندن اندیشه و ادراک آدمی، به او نیروی کشف و تصرف جهان بیکرانه می‌بخشد.

طرفه آنکه حتی پذیرش این را هم که فرستاده‌ای الهی است، نمی‌توان جواز الینه‌شدن انسان دانست. گواهی ما متن وحی است که ده‌ها بار از اصلاحات تعقل، تدبر و تفکر، همچنین مشتتقات آنها نام می‌برد و خردورزی آدمی را در دین‌پذیری، دارای اصالت و موضوعیت می‌داند. در این جهان‌متن، انسان، مزین و مفخر به ارجحیت «کرمنای بنی آدم» و «علمه البیان» است و منظور خطاب «أفلا تعقلون» و «أفلا تتفكرون»؛ پس حتی عبادات انسان هم سزاست که با آگاهی و آزادگی همراه باشد.

به دیگر سخن، خدا از ما نمی‌خواهد که بدون تفکر و تدبر، سخن و فرمان او را بشنویم و بپذیریم؛ چنان‌که خود در کلام رحمانی‌اش می‌فرماید، اگر می‌خواست، می‌توانست بشر را همچون فرشتگان مجبور به عبادت و اطاعت بیافریند نه مختار و آزاد. این مهم، از طرق عقلی نیز قابل اثبات است. آن عبادت و جودى و فقای در حق یا حقیقت نیز که در فرهنگ دینی ما، معنای هستنى آدمى و برترین هدف آموزه‌هاست، الینه‌شدن انسان در چیزی دیگر نیست؛ زیرا بر بنیاد حقیقت وجودی انسان شکل می‌گیرد و نیز رهایی او از تعلقات فراطیصل و پیوستنش به آگاهی و آزادی مطلق را در پی دارد. امام حسین‌علیه‌السلام نیز در مقام یکی از درخشان‌ترین تجلیات انسانی مفاهیم و انتزاعیات دین و مایه‌های عقلی و نقلی آن، حرکتی را می‌آغازد که پیرو همین رویکرد دین به ماهیت ادراکی و اقناعی آدمی است و البته بازداشتن انسان‌ها از فروافتادن به چاه ازخودبیگانگی.

مصادیق ازخودبیگانگی یا الیناسیون را چند نوع دانسته‌اند مانند: الینه‌شدن فرد در نظام سرمایه‌داری، ازخودبیگانگی انسان تحت تأثیر روایت‌های نادرست و ضداندیشگی از مسیحیت توسط عده‌ای در قرون وسطی، ازخودبیگانگی در مقابل تبلیغات تجاری دوره مدرنیته و مصرف‌گرایی و لذت‌افزایی، ازخودبیگانگی یک جامعه در برابر جامعه‌ای دیگر و ازخودبیگانگی دولتی که به معنای انواع فاصله‌گرفتن‌های دولت‌ها از اهداف اصلی خود است از آن روی که درگیر اهدافی دیگر می‌شوند. مصداق این نوع واپسین را در عصر امام حسین (ع) می‌توان حکومت اموی دانست که البته این، بخشی از کم و کیف آن دستگاه حکومتی است. دیگر انواع الیناسیون را نیز می‌توان در آن دوره دارای بروز و حضور دانست؛ چنان‌که در همه اعصار نیز هستند، اما با شدت و ضعف به‌طور گوناگون و نسبی.

دستگاه خلافت اموی، هم عباى نبوى را می‌خواهد و هم تخت و تاج قیصرى و خسروى را. هم فقر و فقر محمدى را می‌طلبد، هم شکم‌بارگى و غرق‌شدن در دینار و درهم بیت‌المال را. امام حسین، بیعت با دستگاهی را نپذیرفت که از جعل حدیث و روایت و ابداع اسلام سلطنتی ابا نمی‌کرد.

یزید جانشین نامشروع خلیفه‌ای است که در تاریخ اسلام، نخستین کسی بود که با زور و زر به مسند خلافت نشست؛ نخستین خلیفه‌ای که -برخلاف ادعای طریقت وحیانی- همچون سلاطین، کاخ و بارگاه سلطانی برافراشت. قرآن را می‌خواست، اما بر نیزه و به قصد حیلث؛ ایمان را می‌نماید، اما به تیروز و به نیت غصب خلافت (یا به همراه جعل حدیث و بدعت). وارث این دستگاه، برای منزوی‌کردن امام حسین و وادارکردنشان به بیعت، سعی در نفوذ در یاران ایشان و دیگر مردسان دارد؛ عده‌ای را الینه ثروت و طلا می‌کند، گروهی را الینه ترس و برخی را الینه مغفله.

اما حماسه‌ساز عاشورا، کسی است که با هیچ‌یک از این ترس‌افزادی‌ها و فریبندگی‌ها از خویش تهی نمی‌شود و به جای بیگانه‌شدن از خود، با آنچه زمان و جهان او را آلوده، بیگانه است. هیچ چیز را یاری آن نیست که حسین را از آزادی و آگاهی خویش تهی کند. او حتی برای افزودن بر شمار یاران خویش نیز دست به حيله و تکلف نمی‌بازد (برخلاف دشمنانش) و هیچ یاری‌گری را از خودبیگانه نمی‌خواهد، حتی در واپسین ساعات حیات ندویی، بیعت از یاران برمی‌دارد تا هرکس که می‌خواهد گام در میدان آزادی و البته مرگ نهد، به اراده و خرد و آگاهی خویش بنهد، نه به اجبار یا شرم از حسین(ع). ندای هل من ناصر نیز به طریق هدایت سر می‌دهد که تعهد امامت او است، وگرنه حسین کجا و نیاز به خلق کجا.

آگاهی و آزادی‌خواهی ریشه در فطرت انسان دارد که خداوند با آن آگاهی از آن و بنا بر اقتضانات آن حقیقت، بشر را به آغوش خویش فرامی‌خواند. این وجه برجسته از واقعه عاشورااست که هنوز هم بر جان انسان‌ها می‌نشیند و چنان سرمشقی، آنان را به آزادگی و ستیز با ازخودبیگانگی برمی‌انگیزد؛ چنان‌که در طول تاریخ نیز چنین بوده است.

عاشورادر برابر بدعت‌ها

حکومت دید و اینکه چرا مردم از حق دفاع نمی‌کنند؟ از پیامبر سندن داد «اگر مردم سلطان جائری را ببینند که حلال و حرام خدا را جابه‌جا کرده و او را باز ندارند، در قیامت جای‌شان همان جای جائران است». چه بدعتی در اسلام سهمگین‌تر از اینکه یاران راستین پیامبر -اباذر- زبان‌شان در کام‌شان مهار یا بریده شود؟ و تبعیدشدگان پیامبر -خاندان بنی‌العاص- به حوزه خلافت بازگشته و به عرصه‌های مالی دست یابند. حدودنیم‌قرن از رحلت رسول خدا گذشته و در این زمان کوتاه‌هاست در چرخه حکومت قرار گرفته‌اند که با مطرود رسول خدا بودند یا در زمان پیامبر با جریان نفاق هم‌کاسه بودند. این جابه‌جایی آدم‌ها بود که جابه‌جایی ارزش‌ها را در پی داشت. به تعبیر امام علی (ع) تمام آثار جاهلیت بازگشته؛ یعنی شعائر اسلام موجود؛ ولی ارزش‌های اخلاقی مفقود شده است. ایستادگی امام حسین (ع) در برابر چنین وقایع تلخ و دردناکی بود. آزادی و شرف و عزت که از آن مؤمنان است، به دست چاپلوسان اموی به اسارت و ذلت تبدیل شده بود. امام حسین در روز عاشورا در برابر جریانى ایستاد که آمده بود تا دین و انسانیت را ابزار حکومت سازد. و مردم را تئاکوی کند. امام حسین (ع) در واپسین لحظات عمر خود فرمود: اگر دین ندارید، پس آزادمرد باشید. در روز عاشورا انسانیت و عدالت و آزادی به نمایش درآمد، تحولی در جهان اسلام پدیدار شد. مردم دریافتند که اسلام محمد (ص) اسلام دیگری بوده، یاران پیامبر غیر از این بوده‌اند که از رسانه‌های اموی شنیده‌اند. پس از انقراض و اضمحلال امویان نوبت به عباسیان، عموزاده‌های پیامبر، رسید؛ اما آنان به شکل دیگری بر حقیقت دین و عاشورا سروپوش نهادند. بدعت‌ها و تحریف‌ها را به شکل شرارت‌باری به دنیاى اسلام بازگرداندند. روضه کربلا فاشانه می‌شد؛ اما زندان‌ها پر از آزادی‌خواهان علوی بود. اسلام در سطح شعار رواج داشت ولی حاکمان عباسی هیچ سخن حق و انتقادآمیزی را برنمی‌تافتند. اولین آنان به خاطر خون‌ریزی لقب سفاح گرفت. فشارها و استبداد حکومتی آن چنان بالا گرفت که مردم، جور امویان را بر عدل عباسیان ترجیح دادند. امیرالمؤمنین‌هایی که جای پیامبر نشستند، جز قتل و زندان و شکنجه چیزی نمی‌شناختند. به نام اسلام حدیث‌ها ساختند، دروغ‌ها گفتند و از سویی عده‌ای مأمور ماجور برای بدنام‌کردن امامان، بنای غلو گذاشتند. و پیمانی را که حاکمان با مردم بسته بودند، شکستند. خانه خدا را به منجنیق بستند تا مخالفان خود را از میان بردارند. امامان شیعه را به بهانه‌های مختلف محاکم و مسوم ساختند. دریغ و درد اینکه بدعت‌های پیش از عاشورا پس از زمانی اندک و در عصر عباسیان بازگشت، اما این بار نه‌تنها به دست حاکمان، بلکه با کمک جاعلان حدیث و جاهلان به دین، از زبان پیامبر روایت‌ها ساختند که نه‌تنها عقل‌گریز بلکه عقل‌ستیز بود. امامان را در حد غلو و خدایی بالا بردند تا از چشم مردم بپزند.د. جریان عاشورا ماندگاری‌اش با شکل و نحوه حفظ شد؛ اما به شکل واژگونه‌ها که از آن هیچ اثری برنمی‌خاست. مگر نه این بود که حقیقت عاشورا برای ستم‌ستیزی و ظلم‌زدایی برآمده بود؛ اما چرا امیرالمؤمنین‌های پس از معاویه و یزید و خلیفه‌های عباسی و عثمانی و صفوی در کنار بزرگداشت عاشورا و عاشورا پروری، ستم‌های بیشتری روا داشتند؟ و حقیقت عاشورا و تشیع، از عنینت جامعه و زمان به خلوت‌خانه تکایا و چند روز محرم بازگشت؟ در اینجا باید با مولوی همراه شد که با مردم حلب در روز عاشورا گفت:

فخته بودستى تا اکنون شما/ تا کنون جامه درپديد از عزا
پس عزا بر خود کنيد ا ک خفتگان/ چون که بد مرگى ست این خواب گران
بر دل و دین خرابت نوحه کن/ چون نمى بيند جز این خاک کهن (مثنوی، دفتر ششم)

یادداشت

خودفروشان را به کوی می‌فروشان راه نیست

مردم ایران برگ جدیدی از تاریخ جنگ را به نام خود ثبت کردند



احسان الهی مقدم

گرچه مدت این جنگ تحمیلی و حمله اسرائیل به ایران ۱۲ روز طول کشید، اما تأثیر آن باعث تغییر دکترین دشمن با این فکر که با تزور فرماندهان ارشد به کمک جاسوسان و خیانت‌کاران و برهم‌ریختن انسجام نیروهای نظامی می‌تواند شمشیر بران در اختیار مردم قرار دهد تا از نیروی مردم برای هدف خود، که ایجاد آشوب و نابودی ایران است استفاده کند. اما مردم ایران راه دیگری انتخاب کردند و پشت نیروی‌های نظامی ایستادند تا ایران عزیز از گزند دشمنان حفظ شود. فضای مجازی و ایستاتگرام نقش مهمی در این همبستگی داشت و باعث شد تمام نخبگان ایران و جاسوسان در داخل و خارج از کشور و فرمانان و دیگر فعالان اجتماعی به این موضوع واکنش نشان دهند و همه پشت ایران بایستند و به همبستگی مردم ایران کمک کنند. مردم ایران در این سال‌ها به کمک فضای مجازی شناخت بهتری از تاریخ ایران و خیانت‌کاران در این سال‌ها داشتند و در تاریخ معاصر حکومت محمد مصدق و تأثیرات نوده‌ای‌ها و حکومت‌های خارجی در سقوط آن و انقلاب ایران در سال ۵۷ و خرابکاری‌های مجاهدین در همکاری با عدام را پشت سر گذاشته بودند و این را می‌دانستند که وقتی آب گل‌آلود شود، دشمن برنده خواهد شد از طرفی وضعیت اقتصادی مردم و اختلاس‌ها و مدیران نالایق، قطعی برق، کمبود آب، ناآرامی‌های سال‌های اخیر و اعتراض‌ها به قیمت بنزین و تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده، همه مردم را تحت فشار گذاشته بود که نتیجه اینها کاهش درصد شرکت مردم حدى در انتخابات ریاست‌جمهوری بود و دشمن به گمان خود فکر می‌کرد از این شرایط می‌تواند به نفع خود استفاده کند اما مردم ایران نشان دادند که در هنگام حمله دشمن به ایران، تمام دلخوری‌ها از کنار می‌گذارند و موضوع اصلی دفاع از وطن و همبستگی است. به طوری که در چند روز بعد از حمله اسرائیل به ایران، رهبری در پیام خود به‌عنوان اولین فرد به این همبستگی اشاره کردند و از متین‌بودن و شجاعت و وقت‌شناسی مردم ایران قدردانی کردند. همچنین رئیس‌جمهور و سرلشکر موسوی، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح، قدردان این همبستگی و پشتیبانی مردم ایران از دولت و نیروهای مسلح بودند. در پایان مردم ایران ثابت کردند که با هر قوم و مذهبی متحد خواهند بود و راه سعادت و سرفرازی ایران را خودشان تعیین خواهند کرد و مهم‌تر از همه اینکه عـدو سبب خیر شد و حمله اسرائیل و جنگ تحمیلی ۱۲روزه کمک کرد تا تندروها از سبویی و مسئولان و دولتی‌ها از سـوی دیگر بداندن که چه مردمی دارند و به این مردم و همبستگی‌شان افتخار کنند و زمینه آسایش و رفاه مردم را فراهم کنند.

با شرایط بحرانی جنگ در شهر چگونه مواجه شویم؟

همچنین دولت وظیفه دارد امنیت روانی مردم را تأمین کند، با کار فرهنگی به مردم آموزش دهد و به آنها پیامود چگونه پناه بگیرند و از خطر دور شوند.به‌هرحال اگر باید زیست و آن را جزئی از زندگی دانست، حرکت ملی کثیف یا کوله‌پشتی جنگ برای هر خانه، به کمک خیرین و داوطلبان می‌تواند در سطح ملی شکل گیرد. بنابراین، زمینه‌سازی برای گروه‌های دوره‌بدیده امدادرسان داوطلب در سطح کوه‌ها و محلات و مجموعه‌های مسکونی، در هر مجتمع مسکونی، محله، کوه و برزن نیز خوب است انجام گیرد. امید که این اقدامات در دستور کار نهادهای مربوطه و مردم دلسوز محلات قرار گیرد. ما متحد و هماهنگ در کنار هم، پایدار خواهیم ماند.